

فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط

دوره ۱، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۹

شاپا الکترونیکی: ۹۷۸۲-۲۷۱۶

<http://www.ei-journal.ir>

صص. ۹۷-۱۰۷

## پدیدارشناسی خانه‌های قاجار تهران با تمرکز بر روش‌شناسی ون منن

کیانوش حسنی<sup>۱</sup>

استادیار معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهرری، تهران، ایران.

([k\\_hasani78@yahoo.com](mailto:k_hasani78@yahoo.com))

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۱

### چکیده:

آنچه که در مقاله حاضر قابل بررسی است، شناسایی ارزش‌های نهان خانه‌های قاجاری تهران با استفاده از روش ماکس ون منن<sup>۲</sup> است. موضوع، عدم پاسخگویی به برخی نیازهای معنایی مردم در معماری امروز است. در معماری گذشته فضاهایی یافت می‌شد که تاثیر معنایی مثبتی برای مردم داشته‌است. اینکه چه احساس و ادراکی از این فضاها در تعامل میان مردم و مکان سکونتشان در ایران بسیار کم کار شده‌است. هدف اصلی پژوهش دستیابی به ابعادی از تجربه حضور مردم در خانه‌های قاجاری برآمده از نگرش پدیدارشناسی است تا قدمی در جهت برآورده شدن برخی از نیازهای عاطفی خانه‌های معاصر برداشته شود. روش تحقیق، پدیدارشناسی ماکس ون منن است. اهمیت خانه‌های قاجار به عنوان نمونه انتخابی در مقایسه با دوران‌های دیگر آن است که علاوه بر استفاده‌ی عناصر وارداتی و تاثیرپذیری خانه‌ها از الگوهای غربی، وفاداری معمار سنتی به اصول معماری سنتی ایران نیز مشهود است. این تحقیق با مصاحبه بر پایه‌ی دو پرسش اصلی ۱- در همان لحظه بودن در مکان، حال و احساس افراد چه بوده‌است؛ ۲- چگونگی این تجربه و تعامل فرد با اجزای محیط. انجام شد. نتایج به دست آمده از مصاحبه‌نامه‌ها باعث کشف معنای این مکان‌های معمارانه در بستری از عوامل مثبت روانی و در تعادل نزدیک با افراد شد. این معانی شامل انفصال، نشاط، پیوند با محیط، آزادی خیال و فراغت کالبد و آرامش است. نتیجه‌ای که می‌توان از یافته‌های این تحقیق گرفت، میزان کارایی خانه در رفع نیازهای روحی و عاطفی مردم در خانه است.

کلید واژگان: پدیدارشناسی، ماکس ون منن، خانه‌های قاجار.

### نحوه استناد به مقاله:

حسنی، کیانوش (۱۳۹۹). پدیدارشناسی خانه‌های قاجار تهران با تمرکز بر روش‌شناسی ون منن. فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط، ۱(۴)، پاییز ۱۳۹۹. ۹۷-۱۰۷.

[http://www.ei-journal.ir/article\\_133220.html](http://www.ei-journal.ir/article_133220.html)

Email: [k\\_hasani78@yahoo.com](mailto:k_hasani78@yahoo.com)

۱. نویسنده مسئول: خانم کیانوش حسنی

<sup>۹۷</sup> پروفیسور ماکس وان مانن (Max van Manen) استاد دانشگاه آلبرتا است که پنج دهه پیش از زادگاه خود - هلند - به کانادا مهاجرت کرده و در دانشگاه‌های مختلف این کشور مشغول تدریس در علوم تربیتی بوده است. محققان او را با آثارش درباره پدیدارشناسی و پداگوژی (Phenomenology and Pedagogy) می‌شناسند.

## ۱- مقدمه

مکان به معنای فضایی که تجربه با آن مواجهه می‌شود یکی از جنبه‌های تعامل انسان و محیط<sup>۳</sup> است که این تعامل از دو زاویه مهم است؛ یکی تأکید بر جایگاه استفاده‌کنندگان در شکل‌گیری معماری؛ و دیگری، بیان سطحی عاطفی از این تعامل که با مواجهه یا تجربه مذکور می‌توان درک کرد و انتقال داد (Relph, 1976: 68). شولتز نیز فهم انسان از محیطی را که با آن مواجه می‌شود یا تجربه می‌کند، متأثر از تناظر او در جایگاه روحی و کشش‌های طبیعی محیط می‌داند. این ارتباط را شولتز نظیر ارتباط فطری با طبیعت برمی‌شمارد که معمار در ساخت مکان، بیانی انتزاعی از محیط را ارائه می‌کند که می‌بایست در فهم آن جایگاه روحی به کشف پدیده‌های غیرملموس مکان نیز بپردازد (Norberg-Schulz, 1980: 168). از سویی دیگر، در مکان‌هایی که عملکردهای روان‌شناختی محیط درست عمل نکرده باشند و شکل‌گیری محیط تصادفی و از روی اتفاق رخ داده باشد، نوعی حس از خود بیگانگی و تنهایی پیش می‌آید که در تقابل با آن ارتباط مثبت، فطری است. این پژوهش بر آن است که سطح ادراکی خانه‌های قاجاری تهران را با تجربیات انسان از ابعاد شناختی مورد تحلیل قرار دهد و به ارزش‌های نهان خانه‌های قاجار دست یابد. چرا که امروزه برآورده نشدن برخی از نیازهای روحی و آسایشی مردم در معماری، سبب از میان رفتن تعامل میان ساکنان و مکان استقرارشان شده است. با توجه به این‌که در معماری گذشته‌ی ایران فضاهایی یافت می‌شد که تاثیر معنایی مثبتی را برای مردم داشته، در این پژوهش با شناخت این فضاها و کشف معنای آن‌ها با تمرکز بر روش ون منن، نیازهای روحی و عاطفی انسان معاصر پاسخ داده می‌شود.

## ۲- پیشینه

تاکنون با وجود نقش، تنوع و ویژگی‌های خاص خانه‌های تاریخی، مطالعات کاملی صورت نگرفته است؛ در حالی که به واسطه وجود نمونه‌های باارزش از دوره‌های مختلف تاریخی، در معرض تخریب قرار گرفتن آن‌ها به واسطه تغییر شیوه زندگی، تعدد مالکین، مهاجرت و به طور کلی از دست دادن جذابیت‌ها برای زندگی امروز، بررسی خانه‌های قدیمی بسیار ضروری است. لازمه‌ی باز حیات بخشی از این خانه‌ها، شناخت همه جانبه از آن‌هاست و قدم اول، بازشناساندن ارزش‌های نهان این کالبد‌های کهن است. آنچه پژوهشگران از زوایای مختلف به‌خانه پرداخته‌اند، دورن‌گرایی و محرمیت<sup>۴</sup>، زبان الگو<sup>۵</sup>، سلسله مراتب فضایی، گونه و گونه‌شناسی<sup>۶</sup>، رابطه فرهنگ و ساختار خانه، اقلیم<sup>۷</sup> و غیره می‌باشد. کتاب‌هایی نیز در حوزه پدیدارشناسی خانه تالیف شده‌اند مانند *بوطیقای فضا* از گاستون باشلار که به فهم پدیدارشناسی خانه پرداخته است؛ در کتاب *پدیدارشناسی با تمرکز بر روش شناسی ون منن*، دکتر الهام نواب، علاوه بر معرفی و تعریف انواع پدیدارشناسی، به بسط و توضیح روش ون منن در تحقیقات کیفی پرداخته است. در مقاله "کاربرد دیدگاه پدیدارشناسی ون منن در مطالعات برنامه درسی"، نویسنده<sup>۸</sup> با استفاده از مصاحبه، تجارب افراد را از پدیده‌های ویژه استخراج

<sup>۳</sup> جنبه‌های متفاوتی از تعامل انسان با محیط، موضوع تحقیق در حوزه‌های وسیعی از روان‌شناسی، جغرافیا، معماری و شهرسازی است.

<sup>۴</sup> در حوزه درون‌گرایی و جایگاه محرمیت می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

- بررسی درون‌گرایی به عنوان عنصری پایدار در معماری خانه‌های ایرانی؛

- لایه‌های محرمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده؛

- حریم و حجاب در معماری مسکونی سنتی ایران؛

- محرمیت در الگوی مسکن بومی و به کارگیری آن در معماری معاصر ایران؛

<sup>۵</sup> به عنوان نمونه میتوان به مقاله "ارزیابی تحول زبان الگو در معماری مسکن" تالیف دکتر عیسی حجت و دکتر محمد باقری در نشریه نامه معماری و شهرسازی، بهار و تابستان ۹۴ اشاره کرد.

<sup>۶</sup> مقاله "گونه و گونه‌شناسی معماری" تالیف دکتر غلامحسین معماریان در نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، زمستان ۹۲ در این زمینه قابل استناد است.

<sup>۷</sup> به عنوان مثال آقای توسلی در حوزه اقلیم، راپاپورت و محمدرضا حائری در نقش فرهنگ و بوركهارت در حوزه سنت را می‌توان ذکر کرد.

<sup>۸</sup> عیسی برقی

کرد که هدف آن اهمیت تدریس و انتخاب محتوی و مواد درسی است. در مقاله "کاربرد روش تحقیق کیفی برای فهم ابعاد عاطفی مکان"، مولف<sup>۹</sup> عدم پاسخگویی به برخی از نیازهای روحی و آسایشی مردم در معماری امروز را با روش پدیدارشناسی بررسی کرده است و هدف دستیابی به تجربه حضور مردم در شوادان است.

### ۳- مبانی نظری فهم خانه

از آن جا که خانه خصوصی ترین فضای انسان است، از دیدگاههای مختلف به آن پرداخته شده است. به عنوان نمونه از دیدگاه های روان-شناسی، توصیف تجربه بودن در خانه، ریشه در ضمیر ناخودآگاه دارد. آدمی در فضایی ذهنی که مملو از رویاها و خاطرات است، اجزای فضای پیرامونی را واکاوی می کند و آن را از ضمیر ناخودآگاه به آگاه می رساند تا بتواند آن را توصیف کند. تصاویری که از محیط خانه در ذهن او نقش می بندند در مکان های مختلف متفاوت اند (Jung, 1969:251). کارل گوستاو یونگ تجربه خود را از فضایی زیرزمینی بیان می کند، که البته هدف او در مقام اندیشمندی روان شناس، رسیدن به نوعی امتزاج و غوطه وری با موضوع تحقیق است که از منظر او این تجربه به فهم عمیق از پدیده بسیار کمک می کند<sup>۱۰</sup>. یونگ این سطح از خاطرات را بازنمایی از روان آدمی می داند که با توجه به تجربه عمیق خود در زیرزمین، انسان با ساده ترین نوع بودن یا حضورش در آنجا مواجه می شود (Casement, 2001:78). این زیستن، بسته به تجربه آدمی از اتاق زیر شیروانی تا زیرزمین متفاوت می شود. شخصیتی که در این مکان ها نیز در اثر تعامل با مکان می یابد متفاوت خواهد بود، چون بودن او متفاوت است؛ و این خود اهمیت پژوهش مفهوم خانه را بیش از پیش نشان می دهد. گاستون باشلار نیز مفهوم خانه را در پاسخ پرسش «چگونه می توان خانه را فهمید؟» (Bachelard, 1997: 58) این گونه بیان می کند: «جهان خانه، که جهانی درونی یا فضایی درونی<sup>۱۱</sup> است، با خود انسان پیوند دارد؛ پیش از آنکه انسان در دنیای بیرون ظاهر شود، اولین جهانش خانه<sup>۱۲</sup> است. خانه هم روح است و هم جسم، انسان در خانه، درون هستی خانه<sup>۱۳</sup>، در بودنی درونی<sup>۱۴</sup>، گرمایی بالینی که گشودگی بالینش برای بودن آدمی است<sup>۱۵</sup>، قرار می گیرد. این شعر فضا، فضای درونی خانه است ... بودن، خود نوعی ارزش است، و زندگی با آن آغاز می شود - و این آغازی است خوب - که خود شروع گرماهای ایمن را در خانه به همراه می آورد<sup>۱۶</sup>».

### ۴- مبانی پدیدارشناسی؛ فهم تجربه بودن

آن گونه که از اصطلاح پدیدارشناسی<sup>۱۷</sup> برمی آید، علم شناخت پدیده هاست، به نحوی که به اصل وجودی آن پدیده و شناخت عمیق آن برسد. این تعبیر را هوسرل به عنوان پدیدارشناسی کلاسیک مطرح کرد (Husserl, 1960:123). هایدگر پدیدارشناسی را مطالعه‌ی

<sup>۹</sup> نویسنده "آرزو صدوقی"، رساله‌ی دکتری خود را نیز تحت عنوان "فهم سرشت خانه ایرانی" با روش پدیدارشناسی ون منن به انجام رسانده است.  
<sup>۱۰</sup> وی این مواجهه را چنین بیان کرده است: «من در خانه‌ای بودم که نمی دانستم دو طبقه دارد. آنجا خانه من بود (یعنی احساس راحتی از محیط داشتم) و به نظرم رسید که بقیه قسمت های خانه را نیز ببینم. خواستم ببینم که طبقه پایینی چه شکلی است ... در طبقه همکف، همه چیز قدیمی تر می نمود. دیوارهایی داشت با طاق بندی آجری زیبا که به گمانم تاریخ آن به سبک رومی باز می گشت ... علاقه من بسیار عمیق تر شد ... من باید بقیه خانه را بکاوم ... در اتاقی را که باز کردم ... پلکان سنگی مرا به اعماقی از خانه فراخواند ... پایین رفتم ... درست مانند غاری کنده شده در دل زمین بود ...» (Jung, 1963:183).

<sup>۱۱</sup> Inside space

<sup>۱۲</sup> Being's first world

<sup>۱۳</sup> Within the being

<sup>۱۴</sup> In the being of within

<sup>۱۵</sup> An enveloping Warmth welcomes bring

<sup>۱۶</sup> پرسش دیگری که باشلار در پاسخ به آن، مفهوم «گوشه‌ای از جهان» را برای خانه بیان می کند، این است که چگونه این بودن را لمس یا تجربه می کنیم؛ و اینکه با در نظر گرفتن ارتباط دیالکتیک با زندگی، « چگونه همه روزه در این گوشه از جهان، ریشه می دوانیم».

<sup>۱۷</sup> Phenomenology,

ریشه لغوی Phenomenon از یونانی Phainomenon، به معنی هر چیزی است که نمایان است (Oxford advanced Dictionary, 2007)

چیزبودگی چیزها می‌داند، یعنی این که چگونه چیزها از درون به یکدیگر می‌پیوندند و یکدیگر را انعکاس می‌دهند. فقدان چیزها و مکان‌ها به از دست‌دادن عالم می‌انجامد؛ انسان مدرن بی‌عالم می‌شود و هویتش را از دست می‌دهد (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۳: ۳۱).

از دیدگاه شولتز، پدیدارشناسی در حوزه معماری روشی برای مقابله با ساختارهای ذهنی و انتزاعی در برپاکردن بناست. در این باره مفهومی که او مطرح می‌کند، یعنی «بازگشت به سوی خود اشیا»<sup>۱۸</sup>، بیانگر توجه به ماهیت و معنی پدیده‌هاست (همان) به این معنی که فراتر از ابعاد فیزیکی و شکلی که انتزاعی از واقعیت اشیا هستند، می‌بایست به مطالعه چیستی و شخصیت آنها در تعامل با مردم پرداخته شود. در زمان مرتبط شدن با هر پدیده‌ای، ارتباط کاری یا ارتباط رفتاری و ارتباط شناختی و هیجانی برقرار می‌شود. در روش‌های تحقیق کمی و اثبات‌گرایانه، درک انسان از محیط مبتنی بر رابطه‌ها بین متغیرها بررسی می‌گردد و به تعاملی هیجانی که دربرگیرنده احساسات عمیق است کمتر توجه می‌شود. چون اندازه‌گیری این کیفیات با روش‌های کمی امکان‌پذیر نیست.

در میان روش‌های پدیدارشناسی مختلف؛ مانند روش‌های توصیفی که مبتنی بر فلسفه هاسرل، تفسیری که مبتنی بر فلسفه هایدگر و هرمنوتیک که ترکیب توصیف و تفسیر و بر اساس فلسفه پدیده‌شناسان آلمانی می‌باشد، پدیدارشناسان پیرو روش ون منن معتقد به ترکیب پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری، تعریف و شناسایی مضمون هستند. در روش ون منن هنگامی که مضامین<sup>۱۹</sup> شناسایی شدند، از طریق پیگیری مصاحبه با مشارکت‌کنندگان، مورد تامل و تفسیر قرار می‌گیرند و به این ترتیب مضامین اصلی کشف می‌شوند. در این روش مضامین استخراج شده و کلماتی که برای نوشتار پدیدارشناسی استفاده می‌شوند، باید به گونه‌ای باشند که خواننده را به سمت یک چشم‌انداز فوق‌العاده سوق دهد. شش مضمون اصلی در روش شناسی ون منن معرفی خواهد شد. نویسنده به نقل از ون منن خاطرنشان می‌سازد که ترتیب ارائه مضمون‌ها و توضیحات ارائه‌شده مربوط به هر مضمون، به معنای بیان ترتیبی و تجویزی روش‌ها نیست بلکه جهت تحریک خلاقیت و بینش خوانندگان است.

این مضمون‌ها به این شرح است:<sup>۲۰</sup>

۱- روی آوردن به ماهیت پدیده مورد علاقه‌ی خود (که ما را درگیر دنیا کرده است)؛ هر تحقیق پدیدارشناسی با یک توجه دائمی هدایت می‌شود. هایدگر (۱۹۷۱) در این زمینه می‌نویسد "تفکرکردن یعنی محصورکردن خود به یک فکر، که روزی این تفکر مانند ستاره‌ای در آسمان زندگی‌مان می‌ایستد و می‌درخشد. اینکه همیشه بر یک فکر متمرکز باشیم و از آن متزلزل نشویم، عمیقاً به معنای تمرین تفکر و نیز به معنای سرشاربودن از فکرکردن است" (نواب، ۱۳۹۳: ۶۵).

بنابراین تحقیق پدیدارشناسی یک وظیفه واقعی، غلبه بر خواسته‌ها و طرح سؤالات عمیق در مورد چیزهایی است که یک حس اولیه را در مورد متفکرکردن، محقق بودن و نظریه‌پرداز بودن به فرد می‌دهد. تحقیق پدیدارشناسی در یک رفتار بدون بدنه شروع نمی‌شود و ادامه نمی‌یابد، بلکه پروژه‌ای است که توسط یک شخص، یک فرد واقعی، در یک بافتار مشخص، در حاشیه زندگی اجتماعی و تاریخی برای بیان جنبه‌های واقعی وجود انسان، انجام می‌شود.

یک توصیف پدیدارشناسی "تنها تفسیر" از تجربه انسانی نیست بلکه فقط "یک تفسیر" از تجارب انسانی است و یا حتی بالقوه یک توصیف غنی و قوی از آن تجربه می‌باشد.

۲- بررسی تجربه آن‌گونه که آن را زندگی کرده‌ایم نه آن‌گونه که آن را مفهوم‌پردازی کرده‌ایم؛ هدف تحقیق پدیدارشناسی برقراری تماس مجدد با تجارب اولیه است. مرلوپونتی در این زمینه می‌نویسد، "بازگشت به پدیده زندگی شده به معنای یادگیری مجدد برای نگاه به دنیا با آگاهی مجدد از تجارب زیسته ماست". هوسرل (۱۹۱۱) معتقد است که این روی آوردن به تجارب زیسته با توجه دائمی به آن تجربه امکان‌پذیر است (همان).

۳- فکرکردن بر روی مضامین اصلی مشخص‌کننده پدیده مورد مطالعه؛ تفکر واقعی بر تجارب زیسته یک دریافت متفکرانه از آنچه که آن تجربه ویژه را ساخته است، می‌باشد. بنابراین تحقیق پدیدارشناسی برخلاف سایر تحقیقات بین نمود و جوهره، بین آن چیزی که ما آن

<sup>18</sup> Return to the Things

<sup>19</sup> در ادامه پیرامون مضامین توضیح داده میشود.

<sup>20</sup> این مطلب خلاصه ای از کتاب "پدیدارشناسی با تمرکز بر روش شناسی ون منن"، تالیف دکتر الهام نواب می‌باشد.

را تجربه می‌کنیم و آنچه که تجارب ما را می‌سازد، تفاوت قائل است. به عبارت دیگر تحقیق پدیدارشناسی عبارت است از به نزدیک آوردن آنچه که مبهم و پیچیده است و آنچه که مفهوم آن از بینش طبیعی زندگی روزمره ما دور است که این کار با تعمق در مورد آن چیز صورت می‌پذیرد.

۴- توصیف پدیده با استفاده از هنر نوشتن و بازنویسی؛ برای انجام تحقیق به روش پدیدارشناسی، معمولاً بایستی با چیزی (متن) صحبت شود و این صحبت کردن اغلب به صورت یک فعالیت نوشتاری انجام می‌شود.<sup>۲۱</sup>

۵- حفظ ارتباط قوی و هدفدار با پدیده؛ داشتن ارتباط قوی و هدفدار با پدیده به این معناست که نباید به امور سطحی و حاشیه‌ای پردازیم و بایستی با آن پدیده به طور کامل در یک حس انسانی حرکت کنیم زیرا در صورتی که محقق نتواند ارتباطش را به طور قوی و جهت‌دار با پدیده یا سؤال موردنظرش حفظ کند، در این راه مسائل بسیاری وجود دارد که او را وسوسه کرده، سردرگم خواهد کرد و به سوی یک مکاشفه بی‌هدف و سرگردان خواهد برد. یعنی پژوهشگر باید به طور دائم سؤال پژوهش را در نظر داشته و درصدد پاسخ به آن باشد(همان).

۶- تنظیم بافتار تحقیق با در نظر گرفتن اجزاء وکل؛ تحقیقات کیفی به این سؤال می‌پردازند که این چیست؟ این پدیده به خودی خودش چیست؟ هنگامی که فردی درگیر این سؤال شود، این خطر وجود دارد که فرد پایان تحقیق پدیدارشناسی را رها کند. به‌طور کلی محقق باید به‌طور مداوم طرح کلی مطالعه یا متن را همراه با جزئیات با اهمیت موجود در ساختار متنی بررسی کند. فرد باید مرتب به عقب برگردد، به کل نگاه کند، به متون دریافت‌شده بپردازد و به این مطلب توجه کند که آیا هرکدام از این قسمت‌ها می‌توانند در کل سهیم باشند. اینکه آیا مطالعه ریشه در سؤال اصلی دارد؟ آیا شکل‌های جاری دانش برای آنچه که مربوط به سؤال پژوهش است به کار گرفته شده‌است؟ اینکه چگونه این اشکال دانش (نظریه‌ها و مفاهیم) تفسیر شده‌اند و به تفسیر و درک ما از پدیده موردنظر کمک کرده‌اند؟(همان).

## ۵- روش تحقیق و نمونه‌های موردی

این پژوهش به شیوه‌ی پدیدارشناسی بر پایه‌ی روش کیفی استوار است و روش تحلیل داده‌ها، روش ون‌منن است. مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بنیان تحلیل و توصیف نمونه‌های موردی این پژوهش است. یک پژوهش کیفی به تفسیر شرایط می‌پردازد و بر نقش محقق به منزله‌ی عنصری حیاتی در نتیجه‌ی حاصل از تحقیق تأکید خاص دارد (گروت و وانگ، ۱۳۸۹: ۸۸). روش تحقیق پدیدارشناسی به طور کلی به دنبال فهم تجربه افراد با قرارگیری در محیط است. آنچه که افراد از پدیده مورد مطالعه آزموده و تجربه کرده‌اند، و توصیف آن به همان نحوی که مورد مواجهه قرار می‌گیرد و تجربه یا لمس می‌شود، هدف این تحقیق است. این تجربه، وضعیت محیطی و نیز اتفاقات و تحرکات و معانی درک شده را همان‌طور که در زندگی روزانه انسان رخ می‌دهد، آشکار می‌سازد. این روش، پدیدارشناسی را در یکی از انواع رویکرد تحقیقی در حوزه محیط - رفتار قرار می‌دهد (Seamon, 2000:25). محقق کیفی سعی بر آن دارد که از کسانی که پدیده را لمس و تجربه کرده‌اند، بخواهد که آن را بیان کنند، به این معنی که به توصیف بودن یا حضور خود بپردازند. در مقاله‌ی حاضر که با تمرکز بر روش ون منن انجام می‌شود، در قالب مصاحبه‌نامه‌هایی که در محل انجام می‌گیرد، از شرکت کنندگان<sup>۲۲</sup> دو پرسش اصلی انجام می‌شود: یکی مبتنی بر اینکه در همان لحظه بودن در مکان، حال و احساس افراد چه بوده است؛ و دیگری مبتنی بر چگونگی این تجربه و تعامل فرد با اجزای محیط. پرسیده شد. محل‌های انتخاب شده در این پژوهش تعداد هشت خانه از

<sup>۲۱</sup> به طور تجربی، جداکردن زبان و فکرکردن، کار مشکلی است. هنگامی که صحبت می‌کنیم، کشف می‌کنیم که چه می‌خواستیم بگوییم. مرلوپونتی (۱۹۷۳) و گادامر (۱۹۷۵) در این زمینه می‌نویسند که "چگونگی فکرکردن و صحبت کردن، استدلال و زبان، همگی یک ریشه مشترک دارند بنابراین پدیدارشناسی به‌کارگیری فکر و زبان است برای آنچه که خودش را نشان می‌دهد و آنگونه که خودش را نشان می‌دهد.

<sup>۲۲</sup> لازم به توضیح است که افراد مصاحبه شونده باید تجربه حضور و زندگی در خانه‌های مذکور را داشته باشند.

معماری قاجاری شهر تهران است. خانه‌ها شامل خانه امام جمعه، خانه هدایت<sup>۲۳</sup>، خانه رضاخان، خانه انیس الدوله<sup>۲۴</sup>، خانه کوچه هفت تن، خانه رهاوی<sup>۲۵</sup>، خانه فیروزکوهی و خانه مشیرالدوله پیرنیا<sup>۲۶</sup> است. در این روش پس از شناسایی مضامین<sup>۲۷</sup>، از طریق پیگیری مصاحبه با مشارکت کنندگان، آن‌ها مورد تامل و تفسیر قرار می‌گیرند و به این ترتیب درون‌مایه‌های اصلی کشف می‌شوند.

---

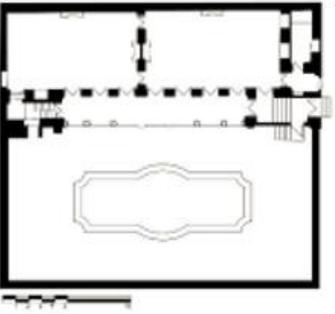
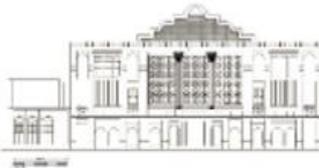
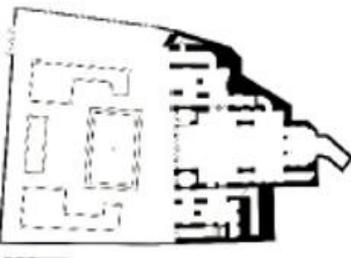
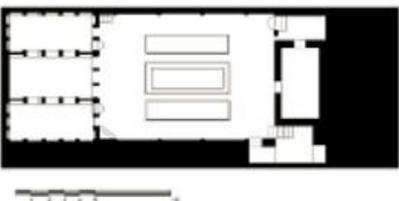
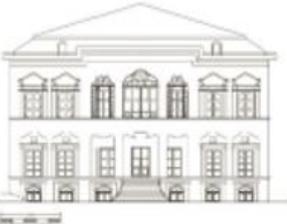
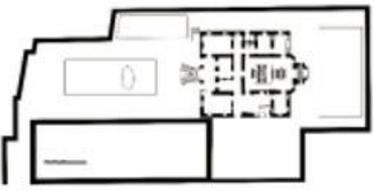
<sup>۲۳</sup> بنای مورد بحث منتسب است به مرحوم صادق هدایت که از نویسندگان پرآوازه معاصر است. پدر او اعتضادالملک از رجال و اشراف دوره قاجار بوده و به همین سبب گمان می‌رود که خانه موردنظر به دستور وی بنا گردیده است.

<sup>۲۴</sup> این ساختمان متعلق به انیس الدوله همسر ناصرالدین شاه بوده است که در زمان پهلوی اول خاندان قاجار آن را می‌فروشد و کاربری مسکونی آن به کاربری آموزشی تبدیل می‌شود و دکتر حسایی نیز در این مدرسه به تحصیل علم می‌پردازد. پس از آن در سال ۱۳۳۰ ه. ش به مالکیت آقای نادر اصفهانی درمی‌آید و از دهه ۵۰ قرن معاصر تاکنون در تملک اتحادیه صنف دارندگان گوشت گوسفندی واقع می‌گردد.

<sup>۲۵</sup> مالک اصلی بنا آقای «وسکاتیان» بود که پس از فوت (حدود ۵۸ سال قبل) طبق وصیت خانه را جهت امور خیریه (مدرسه‌سازی) به انجمن خیریه کلیسای واقع در خیابان کریمخان واگذار شده و سپس توسط آقای رهاوی از انجمن خلیفه‌گری ارامنه خریداری می‌شود. این بنا به صورت کوشک ساخته شده و خانه‌ای از نوع برون‌گرا می‌باشد.

<sup>۲۶</sup> این بنا منتسب است به یکی از رجال برجسته دوران قاجار که نه تنها در صحنه سیاسی / اجتماعی ایران دارای نام و آوازه است بلکه در عرصه علم و ادب و تاریخ نیز منشاء آثار با ارزشی بوده است؛ نام او حسن پیرنیا ملقب به مشیرالدوله<sup>۲۶</sup> فرزند میرزانشاه خان مشیرالدوله صدراعظم است.

<sup>۲۷</sup> در ادامه پیرامون مضامین توضیح داده می‌شود.

ردیف	نام خانه	موقعیت	نما	پلان
۱	خانه انیس الدوله	تهران، بالاتر از چهارراه مولوی، روبروی مهدیه تهران		
۲	خانه امام جمعه	تهران، خیابان ناصر خسرو (ناصری سابق) روبروی وزارت دارایی، کوچه امام جمعه		
۳	خانه آیت الله کاشانی	تهران، خیابان پانزده خرداد شرقی، بازارچه نایب السلطنه، کوچه کیانوش، کوچه عباسی		
۴	خانه مشیرالدوله پیرنیا	تهران، خ لاله زار، نو. ک پیرنیا، پ ۴۲۳		

ردیف	نام خانه	موقعیت	نما	پلان
۵	خانه هدایت	تهران، خ سعیدی، خ شهید تقوی، جنب بیمارستان امیر اعلم		
۶	خانه کوچه فیروزکوهی	تهران، خ مصطفی خمینی، ک فیروزکوهی، ضلع جنوبی مسجد شیخ عبداللہی		
۷	خانه کوچه هفت تن	تهران، امتداد جنوبی چهارسوق بزرگ، بازار مسگرها		
۸	خانه رهاوی	تهران، خ سعیدی، خ برادران شهید قاندي، نبش ک نقیسی		

جدول شماره ۱: نمونه های موردی انتخاب شده به همراه موقعیت، نما و پلان<sup>۲۸</sup>

## ۱- یافته‌های تحقیق

برای درک مفهوم سکونت مردم در زادگاه‌شان، بودن در منطقه و فهم زندگی، توجه با رویکرد پدیدارشناسانه، امری ضروری است؛ از این روش‌شناخت کالبدی و معنایی معماری قاجار نیز به عنوان بخش مهم پژوهش قابل بررسی است؛ از دوره‌ی قاجاریه به بعد ساخت بناهای مسکونی نسبت به جایگاه طبقاتی مردم بسیار متفاوت بوده است. طبقات عادی در ساختمان‌های ساده و با مصالح خشت و گل و طبقات مرفه در بناهای مقاوم آجری با طرح‌های گسترده خصوصاً بیرونی و اندرونی زندگی میکردند. در این دوره طراحی قسمت‌های بیرونی و اندرونی بسیار حساب شده، دل‌باز و جذاب بود. این ساختمان‌ها با توجه به تمامی موازین فنی و اجرایی و خصوصاً اخلاقی و رعایت ضوابط محرمیت در همه‌ی فضاها با اصول و کلیه نکات و خواسته‌های ذاتی و فطری نه برای افراد یک خانواده، بلکه چندین خانواده که بیشتر فامیل بزرگ بودند، ساخته می‌شد. در این بناها فضاهای مسکونی به اتاق سه‌دري، پنج دری و در مواردی هفت‌دري، تالار و بادگیر، شاه‌نشین و اتاق‌های طنبی، گرم‌خانه، ارسی، گوشواره و زیرزمین و غیره تفکیک می‌شد(زمرشیدی، ۱۳۹۰: ۶۸). طراحی

<sup>۲۸</sup> پلان‌ها و نماها برگرفته از گزارش‌های ثبتی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران "معاونت حفاظت فنی" است.

ساختمان‌های بیرونی و اندرونی به گونه‌ای انجام می‌شد که ارتباط حیاط بیرونی از مسیر شاه کوچه، بازار و یا خیابان فراهم شود و قسمت اندرونی از کوچه‌ی دیگری راهی جدا داشته باشد<sup>۲۹</sup>. در این پژوهش تعداد هشت خانه‌ی قاجاری تهران (جدول شماره یک) انتخاب شد و مصاحبه‌ها از کسانی که تجربه زیستن در خانه‌های مذکور را داشته باشند انجام شد. به طور کلی اعتبار درونی و بیرونی<sup>۳۰</sup> که برای تحقیقات کمی موردنظر است، در تحقیقات کیفی به قابلیت اعتماد<sup>۳۱</sup> و انتقال<sup>۳۲</sup> بدل می‌شود (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). محقق پدیدارشناسی می‌بایست اعتماد به داده‌های جمع‌آوری‌شده را از چند طریق به‌دست‌آورد. از آن جمله است بازگشت نزد مصاحبه‌شوندگان (Groenewald, 2004:45) بعد از فرموله کردن معانی، از این جهت که برداشت محقق با گفته‌های آنها حتماً مطابقت داشته باشد (Given, 2008:731). درونمایه‌ها براساس دسته‌بندی معانی و تکرار مفاهیم مشترک مصاحبه‌شوندگان، تحلیل و طبقه‌بندی می‌شوند. جملات و عبارات یا کلماتی که منظور فرد تجربه‌کننده فضا را درباره درونمایه‌های به‌دست‌آمده می‌رسانند، پرننگ و مشخص می‌شوند، تا مفاهیم مشترک دسته‌بندی گردند و معانی متناظر مدون شوند و در آخر توصیف جامعی از درونمایه به‌دست‌آید (Van Manen, 2006:85). بیانات شاخص از متن پیاده شده مصاحبه‌ها - که با بیان گفتاری یا محاوره‌ای بودند - برداشته شدند و بعد از مرور هر متن مصاحبه به صورت فرد به فرد بیش از سه بار و مقایسه آنهاکه برای روشن شدن این مرحله گزیده‌ای از فرموله‌شدن معانی از بیانات افراد در جدول شماره ۲ آورده شده است. با توجه به رویکرد کل‌نگر ون‌من، در نوشتن و توضیح درونمایه سعی شده است تا مشترکات بین تجربه افراد به گونه‌ای بیان شود که از احساس متفاوت بودن محیط، تا میل به دوست‌داشتن به خانه، مراحل را بیان کند که آرام آرام و تدریجی، بودن یا حضور، تجربه زندگی کردن در آن را توصیف می‌کند (جدول ۲). رسیدن به درونمایه‌ها و معانی عمیقی از بیانات مردم، آن‌گونه ون‌منن به ضرورت تحلیل گروهی محتوای مصاحبه ت‌آکید دارد، با مشورت افراد متخصص و استادان مشاور در این زمینه صورت گرفت.

بیانات شاخص	معانی مدون شده	درونمایه های اصلی
اینجا بسیار آرام است، جاهای دیگه بهم این حس و نمیده وقتی از بیرون به هشتی میرسیدم، زندگی یه رنگ دیگه می‌گرفت، روحم ساکت می‌شد قلبم تو حیاط آرام می‌گرفت سایه روشن‌هایی که از پنجره بیرون می‌زد، آرامشش دوست داشتنیه	احساس راحت بودن با محیط، اخت شدن با اجزای آن و یکی شدن با محیط	فراغت کالبد و معنا آرامش
میدونی، به نظرم بهترین جا برای خلوت بود آدم می‌تونه خوب تمرکز کنه به اتاق فکر شبیهه	محیطی برای آزاد شدن فکر و ذهن، تمایل به فکر کردن و خلاقیت بیشتر	آزادی خیال
اتاق‌های بزرگ و شاه نشین طوریه که فکر میکنی همه جا همینه به نظرم میاد باید حرکت کنم تو این اتاق‌ها	احساس سیالیت و پویایی در فضای خانه	نشاط
اینجا همه چیز طبیعی، رفتی جای دیگه، یادت رفته از کجا آمدی	محیطی برای جدا شدن	انفصال
بویش را خیلی دوست دارم	تجربه‌ای از جریان هوا، مصنوعی نبودن و خاکی بودن	پیوند با محیط

جدول شماره ۲: نمونه‌هایی از بیانات شاخص افراد در خانه ایرانی، معانی مدون‌شده آنها و درون مایه های اصلی

<sup>۲۹</sup> این ارتباط باعث میشد که اگر اهل حرم رفت و آمدی به خارج منزل داشتند از در پشتی آمد و شد کنند. در واقع این اندیشه اهل حرم را همواره از هر جهت راحت و ایمن می‌دانسته است.

<sup>30</sup> Internal and external validity

<sup>31</sup> credibility

<sup>32</sup> Transferability

## ۷- نتیجه گیری

در این پژوهش با روش پدیدارشناسی و با تمرکز به روش ون منن به فهم خانه پرداخته شد. با تاکید بر مضامین روش ون منن و مصاحبه نامه های بیست نفر ساکنان خانه های مذکور درونمایه هایی استخراج شد که شامل انفصال، پیوند با محیط، نشاط، آزادی خیال و فراغت کالبد و معنا شد.

آن چه مردم در وهله نخست درک کردند، تفاوت در ظاهر نسبت به محیط زندگی امروز بود؛ از خنکی محیط و رایحه متفاوت تا اتاق های متنوع و دیوارهای گچ کاری شده و کفپوش های متنوع. دل کندن از دغدغه های زندگی و منحصر به فرد بودن در مصاحبه ها، درون مایه ی "انفصال" را شکل داد. تنش زدایی و کناررفتن استرس از دیگر مسائلی بود که شرکت کنندگان به آن اشاره کردند؛ تاکید بر سکوت نیز مقدمه ای شد برای پدیده "آرامش". اکثر شرکت کنندگان به گونه ای با حرکت در اتاق های بزرگ؛ با جنبه های دیداری محیط "شادی و نشاط" خود را از خانه نشان می دادند. ارتباط نزدیک با محیط و طبیعت حاکی از درک تعاملی و پیوند نزدیک با خانه است که درون مایه ی "پیوند با محیط" را به وجود می آورد. ترجیح این خانه ها به مکان های دیگر، دربردارنده ی پیام هایی از عناصر طبیعی، در دل زمین بودن، ساده بودن و غیره است. نتیجه ای که می توان از یافته های این تحقیق گرفت، میزان کارایی خانه در رفع نیازهای روحی و عاطفی مردم در خانه است. با توجه به دور شدن زندگی امروز از چنین مکان هایی، چنین پژوهش هایی ضرورت توجه بیشتر و نیاز انسانی به چنین فضاهایی را بیشتر می کند. نتایج به دست آمده از مصاحبه نامه ها باعث کشف معنای این مکان های معمارانه در بستری از عوامل مثبت روانی و در تعادل نزدیک با افراد شد. مفاهیم به دست آمده با فهم خانه از نگاه باشلار و نوربرگ شولتز همخوانی دارد. لازم به توضیح است که آزمون این روش در مکان های مشابه و در شهرهای دیگر ایران که اقلیم متفاوتی دارند می تواند در ادامه تحقیق به کار رود.

## ۸- فهرست منابع

۱. گروت، لیندا و دیوید، وانگ. (۱۳۸۹). "روش های تحقیق در معماری"، ت: علی رضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). *آموزه های معماری ایرانی و ساختمان سازی مسکونی از دوره قاجار تا امروز، شهر ایرانی اسلامی، بهار ۱۳۹۰: ۶۸*.
۳. نواب، الهام. (۱۳۹۵). "پدیدارشناسی با تمرکز بر روش شناسی ون منن"، تهران: اندیشه رفیع.
۴. نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۸). "روح مکان: به سوی یک معماری پدیدار شناسانه"، ت: محمدرضا شیرازی. تهران: رخ داد نو.
۵. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۹۳). "معماری: معنا و مکان"، ت: ویدا نوروز برازجانی. تهران: پرهام نقش.
۶. گزارش ثبتی خانه رضاخان، خانه هدایت، خانه رهاوی، خانه مشیرالدوله پیرنیا، خانه هفت تن، خانه فیروزکوهی، خانه انیس الدوله، آیت الله کاشانی. میراث فرهنگی استان تهران.
7. Bachelard, G. (1997) *Poetics of Space (Extract)*, In N. Leach (Ed.), *Rethinking Architecture: A Reader in cultural Theory* (pp. 85-97). New York: Routledge
8. Casement, A. (2001) *Carl Gustav Jung*, Thousand Oaks, CA: Sage presented at the *Conference Proceeding*, 6th International Space Syntax Symposium, Istanbul.
9. Given, L. M. (Ed.). (2008) "*The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods*" (Vol. 1&2). London, Thousand Oaks: Sage

10. Groenewald, T. (2004) *A Phenomenological Research Design Illustrated International Journal, of Qualitative Methods*, 3(1).
11. Husserl, E(1960) *Cartesian meditations, An Introduction to Phenomenology* (D.Cairns, Trans)
12. Jung,C.G(1969) *The Archetypes and the Collective Unconscious*, Princeton University Press.
13. Laverty, S.M. (2003) “*Hermeneutic Phenomenology and Phenomenology: A Comparison of Historical and Methodological Considerations*”, *International Journal of Qualitative Methods*, 2(3),21-35
14. Norberg-Schulz, C. (1980) *Genius Loci: toward the phenomenology of place*, New York: Rizzoli.
15. Norberg-Schulz, C. (1996) *The Phenomenon of Place*, In K. Nesbitt (Ed.), *Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory* (pp. 414-428). New York: Princeton Architectural press.
16. Relph,E.(1976) *Place and placeness*, London: Pion.
17. Seamon, D. (2000) *A Way of Seeing People and Place: Phenomenology in Environment-Behavior Research In J. D. S. Wapner, T. Yamamoto, and H Minami* (Eds.), (Ed.), *Theoretical Perspectives in Environment-behavior Research* (pp. 157-178). New York: Plenum.
18. Seamon, D. (2007) *A Lived Hermetic of People and Place: Phenomenology and Space Syntax*, Paper
19. Van Manen, M. (2006), *Researching Lived-Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy* (2nd ed.), London, Ontario, Canada: The Althouse Press.